



سالروز جشن امضای برجام

روزی گذشت یک موتوری از گذرگهی
فریاد شوق دید که برخاسته ز خیل

پرسید زان میانه زیک دختر جوان
بانو چه جای رقص بود جنب گارد ریل؟

باعشوه گفت دخترک؛ آهسته ساقیا!
ای بی خبر ز گاردین و تایمز و دیلی میل

تسلیم دیپلماسی ماشد جهان، ببین
تأثیر پرت کردن خودکار یا ایمیل

آن گل که بیشتر به چمن می دهد صفا
اینک زده ست گل به سر ما، به شرح ذیل؛

حل کرده است مسئله آب شرب را
طفلی کشیده آب ز اعماق چاه ویل

تحریم های ماهمه بالمره لغوشد
بوی نویی ارپلن آید ز نفت شیل

گفت آن جوان که اول آن شیل نه، شیل است
آن هم حقوق ماست که گشته ست حیف و میل

ما را به رنگ ریش فلانی فریفتند
آنکه چو قورباغه آب پز نمود میل

آری دو بار گل زده اما به مازده
درمان نیش پشه شده جفتک رتیل

با خنده کرده است توی پاچه وطن
برجام را که زلزله ای هست ضمن سیل

ساسپند ران دیده اگر قهرمانتان
این دفعه متن را بنویسید با بریل

ماندم چرا شکسته چنین استخوان خلق
وقتی قطار مملکت افتاده روی ریل

از جیب کاپشن موتوری بعد در فضا
پیچید خش خشی که؛ «ممد، ممد، کمیل»

تاریخ ایستاد و کسی برکتیبه ها
هک کرد نام کودک برجام، با دریل



حقوق بشر برای جامعه‌ی پشه‌ها

این طور هم فکر نکنید که ما خانه شما را دزدیده ایم. نه! اصلاً! ما دزد نیستیم، مگس‌ها دزد هستند. تازه آن‌ها مجبورشان می‌کنند همه خانه را دستشویی کنید. خود دانید.

یکهو به خودمان می‌آییم، می‌بینیم خانه دست پشه‌هاست و حتی اجازه نمی‌دهند برویم سر یخچال. الان هم که دنیا پر شده از حامیان سگ و گربه و همجنس باز و ازدواج با حیوانات و هزار کوفت و زهرمار دیگر. حتماً تا آن موقع اگر دستت موقع خاراندن بدنت، اشتباهی بخورد و بال چپ یک پشه در حال خوردن خون گلاسه آسیب ببیند، پلیس وارد عمل می‌شود و آب و برق دستشویی را هم قطع می‌کند تا آنجا فقط بتوانی بنشین و به کارهای بدت فکر کنی.

خلاصه که دنیای بدی شده. مراقب پیشرفت تکنولوژی باشید. یکهو می‌بینید پشه‌ای که چند وقت پیش دوست داشت یک گوساله داشته باشد و بزند و برود، با حمایت طرفداران حقوق حیوانات، آدم‌ها را از خانه‌شان بیرون می‌کند.

چندی پیش خبری دیدم که دانشمندان در حال ساخت وسیله‌ای برای ارتباط با حیوانات هستند. بعید هم نیست. امروزه خیلی از پیشرفت خطرناک هوش مصنوعی و خطراتش برای حیات بشر صحبت می‌شود؛ اما کسی از هوشمند شدن حیوانات نمی‌ترسد.

تصور کنید در آینده پشه‌های سخنگو وارد خانه ما شده و بگویند اینجا خانه ماست. قبلاً انسان‌هایی در خانه بغلی با اسپری پیف پاف ماجرای تلخ هولوکاست را به وجود آوردند، منتها چون خونشان تلخ بود، ما خانه شما را می‌گیریم. تازه نتایج باستان‌شناسی هم می‌گوید اجداد ما اینجا زندگی می‌کردند که شما نامردها جنازه‌شان را با جاروبرقی به زباله‌دان تاریخ فرستادید.

البته مشکلی نیست. اگر شما قبول کنید خانه را به ما بسپارید و خودتان در دستشویی اقامت کنید، همه مشکلات حل خواهد شد! می‌توانیم با صلح و آرامش در کنار هم زندگی کنیم. فقط هر از چند گاهی خودتان ببایید ما بزنیم، برویم...

